

خطر فاجعه های زیست محیطی در ایران از خطر انهدام اتمی نیز برتر و بالاتر است

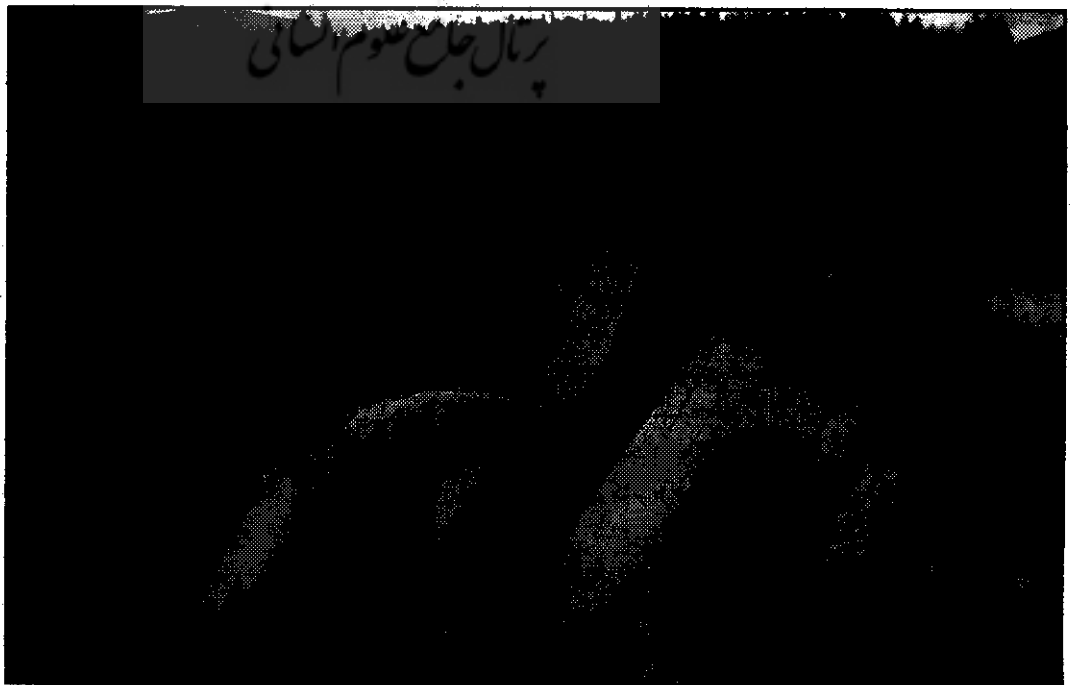
در اعلام همراهی با موضع گیری زیست محیطی کارشناسان و احزاب و درخواست آنان برای بازنگری پرونده ی سد سازی کشور

ماه گروهی از سازمان های مردم نهاد، به عنوان بخشی از نمایندگان ملت ایران، از احزابی که خواست های اضطراری جامعه در زمینه ی محیط زیست را جدی گرفته و آن را در نشست فصلی تابستان خود در خانه ی احزاب بازتاب دادند، سپس گزاریم و ضمن اعلام همراهی کامل در آن خواست ها، در کنار شرکت کنندگان در چهارمین همایش علمی «انجمن موسسه ی تحقیقات جنگل ها و مراتع» که نگرانی های شان را در بیانیه ای که به امضای شماری از فعالان فرهنگی و نهادهای مدنی رسید - بازتاب دادند توجه مسوولان و نهادهای تصمیم گیر (مجلس شورای اسلامی، مجمع تشخیص مصلحت نظام و وزارت خانه هایی هم چون نیرو، کشور و غیره) را به مورد اساسی «لزوم بازنگری پرونده ی سد سازی کشور» جلب می کنیم.

آیا نباید نخست اولویت را به اقدامات آبخیزداری و اصلاح مراتع، به ویژه در کوهستان ها و دامنه های پرشیب داد؟ هر چند ساخت سد به ضرورت و به عنوان آخرین راه حل می تواند

کار ساز باشد اما به باور ما، ادامه ی ساخت بی رویه ی سدهای بزرگ مخزنی در کشوری که هنوز نمی داند یا نمی تواند از آب ذخیره شده در پشت ۹۳ سد بزرگ مخزنی خود به درستی و با بازدهی (راندمانی) - دست کم - ۵۰ درصدی بهره برداری کند، عملی نابخردانه است. آن هم در کشوری که صاحب یکی از بالاترین نرخ های فرسایش و جابه جایی خاک است. آیا نباید نخست اولویت را به اقدامات آبخیزداری و اصلاح مراتع، به ویژه در کوهستان ها و دامنه های پرشیب داد؟ (به گفته ی رییس سازمان جنگل ها، مراتع و آبخیزداری کشور: در صورتی که اعتبارات مورد نیاز تأمین شود، این سازمان قادر خواهد بود با اجرایی کردن برنامه های خود در حوزه ی آبخیزداری، آبخوانداری و اصلاح مراتع، بسیار بیش از ظرفیت کنونی بخش سد سازی در مهار و استحصال آب های سطحی مؤثر واقع شده و آب مورد نیاز بخش کشاورزی را تأمین سازد. این میزان، ده برابر همه ی میزان آبی است که وزارت نیرو از طریق سدها در اختیار بخش کشاورزی قرار می دهد). در حالی

بهره مالی و سود بی حساب و کتابی که در پشت ساختمان هر سد خوابیده است میلیون ها مرتبه از سودی که برای رفاه انسان در نظر گرفته شده است بیشتر است





که نرخ فرسایش در دیمزارهای ما به بالای ۱۰۰ تن در هکتار رسیده است، آیا نباید در گام اول بکوشیم تولید در واحد سطح را ارتقا دهیم؟ چه گونه است که وقتی همه می‌دانند راندمان آبیاری در بخش کشاورزی چیزی در حدود ۳۰ درصد است، به جای کمک نرم‌افزاری و سخت‌افزاری به این بخش، ثروت مملکت را در مسیر ذخیره‌سازی آبی به هدر می‌دهیم که نمی‌توانیم به درستی آن را به ماده خشک تبدیل کنیم؟ و چرا با وجود آن که قرار بود تا پایان برنامه ی نخست پنج ساله ی کشور، بیش از ۳ میلیون هکتار از اراضی کشاورزی به سامانه های آبیاری تحت فشار مجهز شود، این رقم تا امروز حتی به ۷۰۰ هزار هکتار هم نرسیده است، یعنی حتی نیمی از اهداف یک برنامه ی پنج ساله را در طول ۲۰ سال هم نتوانستیم محقق سازیم.

آن هزاران قنات چند صد یا حتی هزارساله‌ی پایدار و بارور نیز با هجوم پیمان کاران و مشاوران سدساز به مرگی ابدی محکوم شده اند (سد بار نیشابور باعث شد تا قنات هزار ساله‌یی که تمام اراضی کشاورزی پایین دست منطقه را در طول قرن ها آبیاری می‌کرد، خشک شود طی دهه‌های گذشته، مرگ رودخانه‌های کشور - که شریان‌های هستی و حیات آبخیزها، دشت‌ها، سیلاب‌دشت‌ها، و دهانه‌ها هستند - آهنگ سریع‌تری داشته است. سدها به‌شکل چشم‌گیری بوم‌سازگان (اکوسیستم) رودخانه‌ای را با کاهش تراز آب، تغییر زمان‌بندی جریانات، ممانعت از جابه‌جایی گونه‌های مهاجر و یا تغییر دمای آب و سطح اکسیژن، تحت‌تأثیر قرار می‌دهند و باعث می‌شوند ویژه گی‌های آب‌شناختی (هیدرولوژی) و کیفیت آب در پایین دست و ریخت‌شناسی رودخانه، تغییر کند.

هم‌چنین حقوق و معیشت جوامع متأثر از طرح را با زیر آب بردن بیش تر حاصل‌خیزترین زمین‌های کشور و بی کار کردن شماری از تولیدکننده گان ارزشمند کشاورزی، تضعیف می‌کنند. هم‌چنین سدها علاوه بر خطر آفرینش زمین‌لرزه، فقط می‌توانند سیل‌های متوسط و کوچک را مهار کنند و در زمان رخ داد سیلاب‌های بزرگتر از پیش‌بینی‌ها به عاملی خطرناک‌تر از سیل بدل می‌شوند و خطر شکستن دارند.

علاوه بر آن هزاران قنات چند صد یا حتی هزارساله‌ی پایدار و بارور نیز با هجوم پیمان کاران و مشاوران سدساز به مرگی ابدی محکوم شده اند (سد بار نیشابور باعث شد تا قنات هزار ساله‌یی که تمام اراضی کشاورزی پایین دست منطقه را در طول قرن ها آبیاری می‌کرد، خشک شود مسوولان به بهانه‌ی آبیاری زمین‌های کشاورزی، این سدا را احداث کردند تا همان کاری را انجام دهند که سال‌ها توسط قنات مزبور صورت می‌گرفت. اما اکنون حجم قابل ملاحظه‌یی از این آب تبخیر می‌شود). ایرانی از چند هزار سال پیش، تلاش درخشانی در توسعه‌ی پایدار منابع آب و به ویژه به کمک

ساخت قنات‌ها، این شاه کارهای مهندسی آب داشته و آن را در جهان از خود به یادگار نهاده است. چه گونه است که این مهندسی شکوفای سازنده‌ی بند بهمن در دو هزاره پیش، به درستی و آگاهانه و نه از ناتوانی، در همه‌ی این چند هزار سال، حداکثر چند ده سد کوچک از جمله بلندترین سد جهان تا اوایل قرن بیستم به نام سد کریت طبس و یا سد کهن کبار قم را مفید به فایده تشخیص داده و ساخته است، اما ما در چهار دهه با تقلید کور از کسانی که سدسازی را از خود ما آموخته اند بیش از ۱۰۰۰ سد می‌سازیم که بخش بزرگی از آن‌ها بی گمان در چند دهه‌ی آینده باید برچیده شوند؟

هم‌چنین در ایران - به خاطر کهن‌سال بودن تمدن آن - نباید آسیب‌های طرح‌هایی همانند سدها به میراث فرهنگی و تاریخی را از نظر دور داشت. توجه به این آثار به‌مخاطر ارتباطشان با موضوعات بسیار مهم و حیاتی‌ای هم‌چون هویت و وحدت ملی از سویی، و کسب درآمد و اشتغال‌زایی از سوی دیگر، باید از اولویت‌های مسوولان باشد. نمونه‌ی برجسته‌ی چنین تأثیرات سویی را می‌توان در شدت گرفتن روند تخریب کهن‌زادبوم‌های موجود در تنگه‌ی بلاغی و دشت پاسارگاد، یعنی یکی از مهم‌ترین سازه‌های یادمانی ایران، به خاطر آبیگری سد سیوند شاهد بود؛ موردی که نهادهای مدنی هم‌چنان بی‌تابانه منتظر تصمیم و عمل عقلایی مسوولان وزارت نیرو و سازمان میراث فرهنگی هستند.

چنین است که می‌توان دریافت: در بسیاری مواقع، سدها تنها توهم توسعه‌ی منابع آبی را ایجاد می‌کنند آب تجدیدپذیر کشور سالانه ۱۳۰-۱۲۰ میلیارد مترمکعب برآورد می‌شود. تجربه‌ی کشور نشان می‌دهد کاربرد حقیقی این آب با سدسازی و تبخیر سالانه بین ۵ تا ۱۰ میلیارد متر مکعب از سطح مخزن سدهای کشور کاهش می‌یابد (سد کرخه که بزرگ‌ترین سد کشور است به تنهایی حداقل ۴۰ میلیون متر مکعب تبخیر در سال دارد). در حالی که مدیریت پایدار آب عبارت است از برنامه‌ریزی کاربرد درست و کارآمد آب تجدیدپذیر و نیز بازگرداندن آن به محیط با کمترین پیامدهای زیست‌محیطی و آلوده گی. راه کارهای بدون سدسازی تأمین آب و نیرو با شیوه‌نامه‌های توسعه‌ی پایدار نیز هم‌خوانی دارند. بخش خصوصی به خوبی می‌تواند در این رویکرد به همکاری بپردازد و البته این راه کارها از ساخت هر سدی کم‌هزینه‌ترند.

لازم به اشاره است که اثرات منفی سدها بر محیط زیست فیزیکی، بیولوژیکی و اجتماعی آن‌قدر زیاد است که بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته از دهه‌ی ۹۰ به این سو دیگر نه تنها سدی نمی‌سازند که مجبور به جمع کردن و برچیدن سدهای خود به قیمت‌های بسیار گزاف شده‌اند تا اثرات منفی سدهای ساخته‌شده را با سختی هر چه تمام‌تر از محیط بزدايند و رودخانه‌ها را احیا کنند؟ (بانک جهانی در پنجاهمین سالگرد

طی دهه‌های گذشته، مرگ رودخانه‌های کشور - که شریان‌های هستی و حیات آبخیزها، دشت‌ها، سیلاب‌دشت‌ها، و دهانه‌ها هستند - آهنگ سریع‌تری داشته است. سدها به‌شکل چشم‌گیری بوم‌سازگان (اکوسیستم) رودخانه‌ای را با کاهش تراز آب، تغییر زمان‌بندی جریانات، ممانعت از جابه‌جایی گونه‌های مهاجر و یا تغییر دمای آب و سطح اکسیژن، تحت‌تأثیر قرار می‌دهند و باعث می‌شوند ویژه گی‌های آب‌شناختی (هیدرولوژی) و کیفیت آب در پایین دست و ریخت‌شناسی رودخانه، تغییر کند.

تأسیس خود اعلام کرد: ۸۰ درصد سدهایی که نسخه‌ی ساختش توسط این سازمان در طی ۵۰ سال گذشته در جهان و به‌ویژه کشورهای در حال توسعه پیچیده شده، نباید ساخته می‌شدند، زیرا ضررهای زیست‌محیطی آن‌ها بیش از منافع آن بوده‌اند.

در مجموع تا دهه‌ی اخیر، متداول‌ترین علت برچیدن سدها، هزینه‌های بسیار کم‌رشدن نگهداری و بهره‌برداری آن‌ها و نگرانی‌های ایمنی و هزینه‌های زیاد تعمیر سدهای نایمن بوده است، اما امروزه شمار رو به رشدی از برنامه‌های حذف سد، به‌عنوان روشی برای احیای زیست‌بوم دنبال می‌شوند. افزایش آگاهی در سطح جهان نسبت به هزینه‌های هنگفت زیست‌محیطی و اجتماعی سدها، در کنار موفقیت‌های فراوان طرح‌های احیای رودخانه، تلاش برای برچیدن سدها را دامن زده است. برای نمونه در آمریکا پس از گذشت چندین دهه تمرکز انحصاری سیاست‌گذاری روی ساخت سدها، اینک نگاه‌ها به سمت برچیدن برخی سازه‌ها و از جمله سدها تغییر کرده است به‌طوری که تاکنون حدود ۵۰۰ سد برچیده شده است. تخریب سدها در آمریکا روند پرشتاب و جاقفادمای دارد. در کشورهایی چون فرانسه و کانادا هم به‌دلایلی هم‌چون احیای رودخانه‌ها یا زیستگاه‌های ماهی‌های آزاد سدها در حال برچیده شدن هستند.

با توجه به مطالب آورده‌شده و این که در ایران تاکنون بیش از ۵۰۰ سد ساخته شده که حتی برای نمونه یک ارزیابی تطبیقی بر ساخت این سدها انجام نگرفته است و هم‌چنین با عنایت به این که آشکار نیست تاکنون چند درصد از کانال‌های آبیاری پشت همین سدهای ساخته‌شده به بهره‌برداری رسیده و اگر نرسیده، باید تکمیل آن‌ها - که با روند کنونی به ۷۰ سال زمان نیاز دارد - در الویت قرار گیرد پس نباید سخن از ساخت سدهای جدید برانیم، مگر این که هدفه چیز دیگری باشد.

ما منتظر واکنش شایسته‌ی نهادهای تصمیم‌گیر هستیم.
توضیح = مجله‌ی فردوسی با چاپ این بیانیه به عنوان یکی از تاییدکننده گان مفاد آن از دیگر هم کاران رسانه‌ای مستقل درخواست دارد تا با اختصاص چند صفحه از نشریه‌ی خود به صورت دائمی و با عنوان «بازسازی، بازیابی و زنده کردن دوباره محیط زیست زیبای کشورمان» سهم هر چند ناچیز خود را در این جنبش ملی - میهنی و برای بازآفرینی دوباره زندگی رو به انهدام بخش‌های گسترده‌ای از محیط زیست سرزمین مان از هیچ تلاش و کوششی فرو گذار نکنند تا دست کم اگر برای فرزندمان ما ترکی از اقیانوس، اقیانوس نفت و گاز و مس و طلا و الماس و زغال سنگ و آهن و ... باقی نمی‌گذاریم، قفسی به آن‌ها تقدیم کنیم که بتوانند در آن نفسی به آسانی بکشند.

تمام امکانات فرهنگی و رسانه‌ای مجله‌ی فردوسی برای

زنده کردن دوباره محیط زیست و جلوگیری از تخلف پیمان کاران متجاوز به حقوق ملی و تجاوزهای آشکار، جنایت کارانه، خیانت آمیز و مستند شهرک سازان، بساز و بفروش‌ها و پیمان کاران ساختمانی و تیم‌های حرفه‌ای آن‌ها با مستندی ساخته گی، غیرقانونی و مشکوک و رشوه‌ای با عنوان تغییر کاربری نقشه‌های مصوبه‌ی قبلی به ویژه در شهرک‌سازی‌ها و هجوم نابودکننده و گروهی بساز و بفروش‌ها و پیمان کاران بی‌رحم ساختمانی با سوءاستفاده از امکانات اداری، سیاسی و قدرتی شرکت‌هایی که زیر پوشش بنیادهای مختلف به نابودی محیط زیست به شکلی دائمی مشغول هستند و با ویلا و آپارتمان‌سازی در نوارهای ساحلی دریای خزر حتا خارج از علامت‌های بین‌المللی (بنج‌های) کار گذاشته شده برای مشخص شدن حریم دریا توسط منابع طبیعی و محیط زیست، تصرف مشاعات عمومی، تصرف زمین‌های ورزشی، فضاهای اداری، خدماتی، سبز و غیره مالکان در شهرک‌های این محدوده برای ساخت و سازهای بی‌رویه و خارج از موازین شهرک‌سازی و سودجویی‌های فراوان تر با ضربه زدن زیر ساختی به زیست محیط شمال، زنگ خطری است برای سرتاسر ایران که ساحل، سراسری دریای خزر و جنگل‌های مازندران و گیلان در حال حاضر در الویت تخریب برنامه ریزی شده قرار گرفته و بخش بزرگی از زیست‌گاه تنفسی هفتاد میلیون جمعیت امروز و صدها میلیون جمعیت فردای ایران به شدت مورد تهدید قرار گرفته است که زنگ خطر بزرگی برای اکوسیستم سرزمین مان به حساب می‌آید.

نگاهی دوباره، دل‌سوزانه، ملی و میهنی به ساخت و سازهای بی‌رویه و خارج از استاندارد و تصویب نقشه‌های اجرایی از سوی محیط زیست و منابع طبیعی و نماینده گان واقعی، بی‌طرف و متخصص چندین وزارت خانه مسئول و کنترل ساخت و سازهای بی‌رویه، غیر مسئولانه و سودجویانه‌ی شهرک‌هایی مانند «شهرک خانه‌ی دریا» در محدوده محمودآباد مازندران و بسیاری از شهرک‌های مجاور و سراسری ساحل زیبای خزر، اوج فاجعه‌ی زیست محیطی، تجاوز به مشاعات عمومی، تخریب فضاهای سبز، تصرف عدوانی ساحل دریا، سند سازی، تقسیم و فروش قطعات مختلف ساحلی و حتا باتلاق‌ها، برکه‌ها و آب‌گیرهای طبیعی و مراکز پرورش نیلوفرهای آبی و ... فاجعه‌ای بسیار خطرناک و ویران‌کننده است. کم‌تر کسی است که به این فاجعه‌ی بزرگ که به نابودی دراز مدت میلیون‌ها انسان می‌انجامد توجه کند. آرزو کنیم که با کوتاه شدن دست متجاوزان به محیط زیست دست کم زیست‌گاهی با آلوده‌گی‌های کم‌تر برای فرزندان و نسل‌های بی‌گناه آینده باقی بگذاریم.

«ایندون بادا»